

تأثیر حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

پریسا محمدی

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهید اشرفی، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول).

Baran.pm110@yahoo.com

احسان رجایی زاده هرندی

کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه شهاب دانش، قم، ایران.

ehsanrajaeezadeh@yahoo.com

جابر عشوری

کارشناسی حسابداری، دانشگاه علمی کاربردی هرنند، اصفهان، ایران.

Ashore_j@yahoo.com

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. پژوهش حاضر از لحاظ هدف، کاربردی بوده و از بعد روش‌شناسی همبستگی از نوع علی (پس رویدادی) می‌باشد. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد و با استفاده از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک، ۱۱۱ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و در دوره زمانی هفت‌ساله بین سال‌های ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۸ مورد تحقیق و بررسی قرار گرفتند. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار ایویوز نسخه ۹ و از رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط مثبتی بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی برقرار است بدین معنی که با افزایش پاداش مدیران، حق الزحمه حسابرسی افزایش خواهد یافت؛ علاوه بر این، حاکمیت شرکتی بر رابطه بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است.

واژگان کلیدی: حق الزحمه حسابرسی، پاداش مدیران، حاکمیت شرکتی.

مقدمه

حسابرسان به‌منظور حفظ اعتبار حرفه، شهرت حرفه‌ای خود و اجتناب از دعاوی قضایی علیه خود، سعی در افزایش کیفیت کار خود به‌واسطه افزایش تلاش‌های حسابرسی‌شان دارند. در این میان انگیزه‌های مدیران در جهت اعمال منافع شخصی خود در روند فعالیت‌های شرکت، مانع از رسیدن حسابرسان به اهداف خود می‌شوند. در مقابل حسابرسان می‌توانند با افزایش تلاش حسابرسی، رفتار منفعت‌طلبانه مدیران در دستیابی به منافع شخصی را کشف کرده و مدیران را در اعمال رفتار فرصت‌طلبانه در تنگنا قرار دهند. افزایش تلاش حسابرسان در میزان حق الزحمه آن‌ها از حسابرسی صورت‌های مالی نمود پیدا می‌کند. مطالعات بسیار زیادی در زمینه عوامل مؤثر بر حق الزحمه حسابرسی انجام شده که هر کدام به بررسی جنبه‌های خاصی از آن پرداخته‌اند؛ اما مهم‌ترین مطالعه‌ای که در این زمینه انجام شده و به دلیل پشتوانه نظری آن اساس سایر مطالعات قرار گرفته، مطالعه سیمونیک^۱ (۱۹۸۰) است. در مطالعه وی، حق الزحمه حسابرسی وابسته به نرخ هر ساعت

^۱ Simunic

کار حسابرسی و تعداد ساعات کار حسابرسی است که بسته به نظر حسابرس درباره پیش‌بینی ریسک خطا و اشتباه در صورت‌های مالی، متغیر است. وجود کنترل‌های قوی در شرکت، حسن شهرت مدیران، اندازه شرکت مورد رسیدگی و تعداد شرکت‌های فرعی، بر پیش‌بینی حسابرس از ریسک و ساعات موردنیاز برای حسابرسی تأثیر می‌گذارد. درنهایت، حسابرس به برآورد ریسکی می‌پردازد که از تمرکز مدیریت، شدت وجود مسأله نمایندگی و سایر عوامل نشأت می‌گیرد و با توجه به آن، کار حسابرسی را برنامه‌ریزی کرده و حق‌الزحمه خود را تعیین می‌کند (بن‌علی و لسیج^۱، ۲۰۱۲).

اگرچه تلاش‌های واقعی حسابرسی به‌طور مستقیم قابل‌مشاهده با داده‌های عمومی نیست؛ اما پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهد که حق‌الزحمه حسابرسی بازتابی از تلاش حسابرسان است (دوگار و همکاران^۲، ۲۰۱۵). نتیجه پژوهش آنمول و همکاران^۳ (۲۰۱۵) نیز نشان داد که حق‌الزحمه حسابرسی، بیشتر نشان‌دهنده کیفیت حسابرسی بالاتر است. به این دلیل که حسابرسی انجام‌شده با تلاش بیشتر حسابرسان همراه شده است. کریشان و همکاران^۴ (۲۰۱۲) معتقدند تا حدی که حق‌الزحمه حسابرسی نشان‌دهنده تلاش حسابرس باشد، رابطه مثبت بین حق‌الزحمه حسابرسی و عوامل ریسک در سطح صاحب‌کار وجود دارد و بیانگر آن است که حسابرسان تلاش‌های خود را در واکنش به افزایش ریسک صاحب‌کار افزایش می‌دهند.

فرضیه پاداش مدیریت پیش‌بینی می‌کند که اگر بر حسب یکی از معیارهای عملکرد، نظیر سود حسابداری به مدیر پاداش داده شود، آنگاه وی تلاش خواهد کرد تا از روش‌های حسابداری استفاده کند که سود و در نتیجه پاداش او افزایش یابد. اگر مبالغ پرداختی به مدیر به‌طور مستقیم بر اساس ارقام حسابداری (مانند سود، فروش، دارایی‌ها) محاسبه شود، هر گونه تغییر در روش‌های حسابداری که شرکت از آن‌ها استفاده می‌کند، ممکن است بر مبالغ پرداختی پاداش مدیر تأثیرگذار باشد. این تغییر ممکن است به واسطه انتشار استانداردهای جدید رخ دهد. بنابراین مدیران در تلاش خواهند بود تا از رویه‌های حسابداری استفاده کنند که موجب افزایش پاداش آن‌ها شود (امینی فرد و صالحی، ۱۳۹۸).

مفهوم حاکمیت شرکتی یک مفهوم نظارتی است. در حاکمیت شرکتی توجه عمده به سازوکارها و متغیرهای تسهیل‌کننده‌ها و ممکن‌کننده‌های حیاتی سازمان‌ها از طریق نظارت است. حاکمیت شرکتی در معنای وسیع‌تر آن به دنبال ایجاد موازنه میان اهداف اقتصادی - اجتماعی و اهداف شخصی - گروهی است. چارچوب حاکمیت شرکتی نه تنها به تخصیص بهینه منابع می‌انجامد بلکه لزوم پاسخگویی در قبال آن منابع را نیز ایجاب می‌کند (امیدوار، ۱۳۸۹). در این راستا یکی از عوامل اصلی بهبود کارایی اقتصادی نظام راهبری بنگاه (حاکمیت شرکتی) است که در برگیرنده مجموعه‌ای از روابط میان مدیریت شرکت، هیئت‌مدیره، سهامداران و سایر گروه‌های ذینفع است (پاسکال^۵، ۲۰۰۴ و نیکومرام و محمدزاده، ۱۳۸۹). نظام حاکمیت شرکتی تعیین‌کننده ساختاری است که توسط آن اهداف سازمان تدوین و ابزار دستیابی به این اهداف و نظارت بر عملکرد مشخص می‌شود. حاکمیت شرکتی بیش از هر چیز، حیات بنگاه اقتصادی را در بلندمدت هدف قرار می‌دهد (حساس یگانه، ۱۳۸۵) و درصدد است از منابع سهامداران در مقابل مدیریت سازمان‌ها حفاظت کند (اسماعیل زاده مقری و همکاران، ۱۳۸۹).

فدراسیون بین‌المللی حسابداران (IFAC)، با صلاحیت‌نهایی استانداردهای بین‌المللی حسابداری و حسابرسی که استفاده می‌شود، به‌طور خاص به لزوم نظارت بیشتر بر پاداش مدیران اشاره کرده است زیرا این امر مربوط به مدیریت ریسک

¹ BenAli and Lesage

² Doogar et al

³ Anmol et al

⁴ Krishnan et al

⁵ Pascal

⁶ International Federation of Accountants

شرکت است (فدراسیون بین‌المللی حسابداران^۱، ۲۰۱۰). علاوه بر این، هیئت نظارت بر حسابداری شرکت عمومی ایالات متحده (PCAOB^۲) از حسابرسان خواسته است تا با دقت و به طور خاص اقدامات پاداش مدیران را در ملاحظات و فرآیندهای حسابرسی خود ارزیابی کنند. به همین منظور، هیئت نظارت بر حسابداری شرکت‌های عمومی حسابرسان را وادار می‌کند تا روش‌هایی را برای دستیابی به درک درستی از چگونگی روابط مالی و معاملات یک شرکت با افسران اجرایی خود، از جمله پاداش مدیران، مجوزها و سایر تنظیمات که می‌توانند به حسابرس کمک کنند پیدا کنند که می‌تواند منجر به شناسایی شرایطی که منجر به خطرات تحریف مهم، از جمله خطرات تقلب، شود. این ملاحظات ریسک همچنان در استانداردهای به روز شده ارزیابی ریسک هیئت‌مدیره برجسته می‌شود (هیئت نظارت بر حسابداری شرکت عمومی، ۲۰۱۸). با انگیزه این اظهارات، چندین مطالعه برای بررسی تجربی رابطه بین حساسیت گزینه‌های پاداش مدیران و حق‌الزحمه‌های حسابرسی انجام شده است. (بیلینگز و همکاران^۳، ۲۰۱۴؛ چن و همکاران^۴، ۲۰۱۵؛ فارگر و همکاران^۵، ۲۰۱۴؛ کنان و همکاران^۶، ۲۰۱۴؛ کیم و همکاران^۷، ۲۰۱۵). این مطالعات اجزای واقعی مبتنی بر انگیزه پاداش مدیران را را که در قراردادهای مدیرعامل ذکر شده است، و کمیته‌های پاداش تصویب می‌کنند و حسابرسان از نظر گزارشگری نادرست مالی ارزیابی می‌کنند، با هم بررسی نکرده‌اند و افیاس و واگلین^۸ (۲۰۰۷) این مؤلفه‌ها را در زمینه حق‌الزحمه حسابرسی ایالات متحده بررسی می‌کنند و برعکس شواهدی از توضیح جایگزینی پیدا می‌کنند. آنها نتیجه می‌گیرند که تنظیمات پاداش با ساختار مناسب و انگیزه، نظارت مدیریتی مؤثرتری را جایگزین نظارت حسابرس خارجی می‌کند، در نتیجه حق‌الزحمه‌های حسابرسی کاهش می‌یابد.

علاوه بر این، پاداش مدیران تا حد زیادی توسط مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و میزان تأثیرگذاری آن‌ها بر مدیرعامل تعیین می‌شود (به عنوان مثال، بیچوک و فرید^۹، ۲۰۰۶؛ بیچوک و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۰؛ یرماک^{۱۱}، ۱۹۹۵ و ۲۰۰۶). در ادبیات پژوهشی، اقدامات مختلف حاکمیتی را به پاداش مدیران مرتبط می‌کند و بر لزوم تحقیقات برای در نظر گرفتن چنین روابطی در گزارشگری مالی و حسابرسی تأکید می‌کند (کاهان و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۵؛ ردی و همکاران^{۱۳}، ۲۰۱۵). مجموعه‌ای از شواهد وجود دارد که ارتباط بین حاکمیت شرکتی و میزان حق‌الزحمه‌های حسابرسی را نشان می‌دهد (های و همکاران^{۱۴}، ۲۰۰۶؛ های^{۱۵}، ۲۰۱۳). حاکمیت قوی‌تر باعث کاهش ارزیابی ریسک و حق‌الزحمه حسابرسی شده است (شارما و همکاران^{۱۶}، ۲۰۰۸؛ تسوی و همکاران^{۱۷}، ۲۰۰۱). و تأثیر هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی بر کیفیت گزارشگری مالی و کاهش تهدیدات استقلال حسابرس نشان داده شده است (نچل و همکاران^{۱۸}، ۲۰۱۲؛ شارما و همکاران، ۲۰۱۲؛

¹ IFAC

² Public Company Accounting Oversight Board

³ Billings et al

⁴ Chen et al

⁵ Fargher et al

⁶ Kannan et al

⁷ Kim et al

⁸ Vafeas and Waagelein

⁹ Bebchuk and Fried

¹⁰ Bebchuk et al

¹¹ Yermack

¹² Cahan et al

¹³ Reddy et al

¹⁴ Hay et al

¹⁵ Hay

¹⁶ Sharma et al

¹⁷ Tsui et al

¹⁸ Knechel et al

شارما و کوانگ^۱، ۲۰۱۴). اخیراً، پاداش کمیته حسابرسی مبتنی بر انگیزه با پایین آمدن کیفیت اقلام تعهدی و حق الزحمه‌های غیرعادی حسابرسی مرتبط شده است، که نشان می‌دهد پاداش مبتنی بر انگیزه ممکن است منجر به نظارت بی اثر از سازوکارهای حاکمیت شود (لین^۲، ۲۰۱۸). همراه با مطالعات تشویقی پاداش مدیران که بر لزوم در نظر گرفتن نقش حکمرانی تأکید دارند (البرشت و همکاران^۳، ۲۰۱۸)، در این پژوهش حاکمیت شرکتی را به عنوان عامل تعدیل کننده رابطه بین پاداش مدیران و حق الزحمه‌هایی حسابرسی بررسی می‌کند. با توجه به مطالب فوق سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا حاکمیت شرکتی بر رابطه بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی تأثیرگذار است؟

مبانی نظری

مکاتب فکری و یافته‌های ادبی بسیاری درباره پاداش مدیرعامل مبتنی بر انگیزه و تأثیرات بالقوه آن در حسابرسی وجود دارد. به احتمال زیاد افزایش خطر تقلب ناشی از پاداش‌های مبتنی بر انگیزه ریشه یک بحث در رسیدگی حسابرسان است. در حقیقت، پاداش‌های مبتنی بر انگیزه به طور خاص در استانداردهای حسابرسی و ارزیابی ریسک کلاهبرداری گنجانده شده است (PCAOB، ۲۰۱۲؛ ۲۰۱۸). تحقیقات گسترده‌ای از این ایده حمایت می‌کند که چنین پاداش‌هایی می‌تواند به انگیزه‌های مختلف باعث ایجاد انگیزه در مدیریت سود شود (به عنوان مثال، جلوگیری از اثرات پاداش زیاد، محافظت از امنیت شغلی، محافظت از شهرت آسیب دیده از عدم دستیابی به انتظارات) (برگستر و فیلیپون^۴، ۲۰۰۶؛ چنگ و وارفیلد^۵، ۲۰۰۵؛ افندی و همکاران^۶، ۲۰۰۷؛ فنگ و همکاران^۷، ۲۰۱۱؛ هریس و بروملی^۸، ۲۰۰۷). این ادبیات نتیجه می‌گیرد که مشوق‌های پاداش مدیران می‌تواند منافع بین سهامداران و مدیریت را ناهماهنگ کرده و منجر به مشکلات نمایندگی شود.

همچنین، نهادهای نظارتی مانند PCAOB و IFAC نگران خطر تقلب ناشی از عدم انطباق بالقوه ناشی از مشوق‌های پاداش هستند. بر این اساس، برای محافظت از سهامداران، این تنظیم‌کنندگان تأکید می‌کنند که حسابرسان باید درک کاملی از چگونگی ساختار مشتری در پاداش‌های اجرایی بدست آورند و ارزیابی کنند که آیا این ترتیبات از طریق گزارشگری مالی تقلبی، که منجر به انجام رویه‌های حسابرسی اضافی می‌شود، بر خطر تحریف‌های اساسی تأثیر می‌گذارد (PCAOB، ۲۰۱۲، ۲۰۱۸). تا آنجا که پاداش‌های مبتنی بر عملکرد، انگیزه مدیران را برای گزارش نادرست گزارشگری صورت‌های مالی ایجاد می‌کند، برای کاهش ریسک حسابرسی و افزایش احتمال کشف تقلب و تحریف‌های مهم، کار حسابرسی بیشتری لازم است. بنابراین، این استدلال نشان می‌دهد که پاداش‌های مبتنی بر انگیزه مدیران به طور مثبت با حق الزحمه حسابرسی مرتبط است.

این در نظریه نمایندگی (جنسن و مک‌لینگ^۹، ۱۹۷۶) پیش‌بینی شده است، که باعث می‌شود مشوق‌های مدیرعامل و منافع سهامداران همسو باشد. همچنین همسویی انگیزه‌های مدیران را برای تأکید بر سودهای شخصی کوتاه‌مدت با هزینه سهامداران کاهش می‌دهد و باعث می‌شود اطلاعات دقیق‌تر و مرتبط با ارزش به سهامداران انتقال یابد. بر این اساس، چندین مطالعه ارتباط منفی بین انگیزه‌های پاداش مدیرعامل و وقوع گزارشگری مالی نادرست و یا عدم ارتباط بین

¹ Sharma and Kuang

² Lin

³ Albrecht et al

⁴ Bergstresser and Phillipon

⁵ Cheng and Warfield

⁶ Efendi et al

⁷ Feng et al

⁸ Harris and Bromiley

⁹ Jensen and Meekling

این دو را گزارش کرده‌اند (به عنوان مثال، آرمسترانگ و همکاران^۱، ۲۰۱۳؛ بابر و همکاران^۲، ۲۰۱۵؛ اریکسون و همکاران^۳، ۲۰۰۶). همچنین نشان داده شده است که انگیزه‌های سهامداران باعث دلسردی مدیرعامل در سرمایه‌گذاری‌ها سرمایه‌گذاری‌ها و سیاست‌های مالی پرریسک می‌شود (بروکمن و همکاران^۴، ۲۰۱۰؛ چاوا و پورناناندام^۵، ۲۰۱۰). بنابراین، این استدلال حاکی از آن است که پاداش انگیزه مدیرعامل ممکن است با حق‌الزحمه‌های حسابرسی ارتباط منفی داشته باشد.

مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی یک شرکت بر پاداش مدیران و حق‌الزحمه‌های حسابرسی تأثیر می‌گذارد. با در نظر گرفتن پاداش مدیران، مدت‌هاست که مدیران به عنوان تعیین‌کننده اصلی ساختار پرداختی به مدیریت توصیف می‌شوند (کوره و همکاران^۶، ۱۹۹۹). این فرآیند پیچیده توصیف می‌شود زیرا، ترتیبات پاداش ناشی از یک فرآیند پویا است که شامل مدیر عامل، مدیران و بازار کار اجرایی می‌شود (شان و والتر^۷، ۲۰۱۶). در حالی که برخی معتقدند بسته‌های پاداش مدیران نتیجه قراردادی بهینه در یک بازار رقابتی استعدادهای مدیریتی است (گابایکس و لندیر^۸، ۲۰۰۸؛ هیمبرگ و هوبارد^۹، ۲۰۰۰). یک نظر مخالف ادعا می‌کند که مدیران عامل از قدرت خود استفاده می‌کنند تا بر پاداش‌های خود تأثیر بگذارند (بیچوک و همکاران، ۲۰۱۰؛ بیچوک و فرید، ۲۰۰۶؛ یرماک، ۱۹۹۵، ۲۰۰۶). هر دوی این دیدگاه‌ها با شواهد تحقیقاتی پشتیبانی می‌شوند که در مورد تأثیرات متفاوت حاکمیت شرکتی بر پاداش مدیران صحبت می‌کنند (به عنوان مثال، آرمسترانگ و همکاران، ۲۰۱۳؛ کور و همکاران، ۱۹۹۹؛ گرینشتاین و هریبار^{۱۰}، ۲۰۰۴؛ نورایی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۲؛ سان و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۹).

کاهان و همکاران (۲۰۰۵) و ردی و همکاران (۲۰۱۵) دریافته‌اند که ویژگی‌های هیئت‌مدیره مانند اندازه، دوگانگی و اثربخشی کلی هیئت‌مدیره با ساختار پاداش مدیرعامل در نیوزیلند ارتباط دارد. علاوه بر این، ذی‌نفعان از تأثیر مدیرعامل در روند تعیین حقوق ابراز نگرانی کرده‌اند (رابرتز^{۱۳}، ۲۰۰۵). جالب توجه است، شواهد تحقیق در مورد حضور مدیرعامل در کمیته پاداش نتایج متناقضی را به همراه داشته است، برخی نشان دادند که این تأثیر به عنوان مدیرعامل قادر به استخراج حقوق اضافی است (رابرتز، ۲۰۰۵)، در حالی که یک مطالعه اخیر نشان می‌دهد حضور مدیرعامل در کمیته پاداش منجر به حقوق اضافی نمی‌شود، اما در واقع، حقوق مدیرعامل پایین‌تر می‌شود (بویل و رابرتز^{۱۴}، ۲۰۱۳).

دیدگاه دیگر در ادبیات نشان می‌دهد که اثربخشی هیئت‌مدیره بیشتر (ضعیف) ممکن است جایگزین (عدم جایگزین) پاداش مبتنی بر انگیزه شود زیرا هیئت‌مدیره‌های قوی‌تر (ضعیف‌تر) نمی‌توانند از نزدیک مدیرعاملان را کنترل کنند تا آن‌ها را با سهامداران مطابقت دهد. نشان داده شده است که هیئت‌مدیره‌های قوی‌تر پاداش مبتنی بر عملکرد مدیرعامل کمتری را توزیع می‌کنند (کواکلی و ایلوپولو^{۱۵}، ۲۰۰۶؛ تالمور و والاس^{۱۶}، ۲۰۰۰). در حالی که هیئت‌های ضعیف‌تر بیشتر

¹ Armstrong et al

² Baber et al

³ Erickson et al

⁴ Brockman et al

⁵ Chava and Purnanandam

⁶ Core et al

⁷ Shan and Walter

⁸ Gabaix and Landier

⁹ Himmelberg and Hubbard

¹⁰ Grinstein and Hribar

¹¹ Nourayi et al

¹² Sun et al

¹³ Roberts

¹⁴ Boyle and Roberts

¹⁵ Coakley and Iliopoulou

¹⁶ Talmor and Wallac

به پاداش مبتنی بر عملکرد اعتماد می‌کنند (فالنبراج^۱، ۲۰۰۹). به طور کلی، شواهد رابطه‌ای بین حاکمیت شرکتی شرکت و پاداش مدیرعامل را نشان می‌دهند.

در رابطه با حق‌الزحمه‌های حسابرسی، شواهد زیادی وجود دارد که ویژگی‌های هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی مانند اندازه، استقلال، تخصص و جلسات تأثیرات گسترده‌ای بر نتایج حسابرسی دارد (به‌عنوان مثال کارسلو و همکاران^۲، ۲۰۱۱ و هی، ۲۰۱۳). نشان داده شده است که این خصوصیات حاکمیت شرکتی اثرات بالقوه افزایش یا کاهش کارمزد حسابرسی را دارد. یک دیدگاه مبتنی بر تقاضا نشان می‌دهد بنگاه‌های حاکم به شدت (ضعیف) برای محافظت از اعتبار مدیران و کاهش مواجهه با خطر دادرسی، سطح بالاتری (پایین‌تر) اطمینان حسابرسان را طلب می‌کنند. متناوباً، یک دیدگاه مبتنی بر ریسک نشان می‌دهد حسابرسان به احتمال کمتر (بیشتر) احتمال خرابی کنترل داخلی و احتمال پایین‌تر (بالاتر) احتمال گزارش‌دهی مالی نادرست مالی، کارمزد حسابرسی را برای شرکت‌های تحت کنترل (ضعیف) کاهش می‌دهند (افزایش می‌دهند) (کارسلو و همکاران، ۲۰۱۱؛ هی، ۲۰۱۳). در نیوزیلند و موقعیت‌های نهادی مشابه مانند انگلستان، سنگاپور و هنگ کنگ، تحقیقات نشان می‌دهد که هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی قوی‌تر با کیفیت حسابرسی بالاتر و تلاش حسابرسان کمتر ارتباط دارد (غفران و اوسالیوان^۳، ۲۰۱۷؛ گریفین و همکاران^۴، ۲۰۰۸؛ شارما و همکاران، ۲۰۰۸؛ شارما و همکاران، ۲۰۱۱؛ شارما و کوانگ، ۲۰۱۴؛ تسوی و همکاران، ۲۰۰۱).

شاخه دیگری از اسناد تحقیقاتی مبنی بر اینکه مشوق‌های جبران خسارت به اعضای هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی می‌تواند اثربخشی حاکمیت را در رابطه با نتایج حسابرسی و گزارشگری مالی افزایش یا کاهش دهد (به‌عنوان مثال، آرخامبول و همکاران^۵، ۲۰۰۸؛ کمپبل و همکاران^۶، ۲۰۱۵؛ کولینان و همکاران^۷، ۲۰۱۰؛ لین، ۲۰۱۸؛ مک‌گرگور^۸، ۲۰۱۲؛ ریکلینگ و شارما^۹، ۲۰۱۷؛ وافهاس و واگلین، ۲۰۰۷). مانند ادبیات مربوط به حاکمیت و جبران خسارت مدیرعامل، شواهد موجود در جریان حکمرانی و حسابرسی اهمیت توجه به حاکمیت یک شرکت را هنگام بررسی نتایج حسابرسی نشان می‌دهد. با توجه به ارتباط حاکمیت شرکتی با جبران خسارت مدیرعامل و نتایج حسابرسی، بررسی تعدیل بالقوه ویژگی‌های حاکمیت در قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی برای جبران خسارت مدیرعامل مهم است.

پیشینه پژوهش

شارما و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان پاداش مدیران، حاکمیت شرکتی و حق‌الزحمه حسابرسی به بررسی رابطه بین پاداش مدیران، حاکمیت شرکتی و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس نیوزلند پرداختند. این مطالعه برای اولین بار پاداش‌های اجرایی را در شرایط در حال تحول در نیوزیلند بررسی می‌کند. به طور خاص، در این پژوهش پاداش‌های مبتنی بر انگیزه را برای پاداش مدیران بررسی می‌شود، و پاداش‌های کوتاه‌مدت تشویقی و گزینه‌های سهام را قابل توجه و مرتبط با حق‌الزحمه‌های حسابرسی در نظر گرفته شده است. همچنین اثر تعدیل عوامل حاکمیت شرکتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد حاکمیت شرکتی (اثر کمیته حسابرسی، منابع هیئت‌مدیره و تلاش هیئت‌مدیره و کمیته حسابرسی) ارتباط بین انگیزه‌های کوتاه‌مدت و پاداش گزینه سهام و

¹ Fahlenbrach
² Carcello et al
³ Ghafran and O'Sullivan
⁴ Griffin et al
⁵ Archambeault et al
⁶ Campbell et al
⁷ Cullinan et al
⁸ MacGregor
⁹ Rickling and Sharma
¹⁰ Sharma et al

حق الزحمه‌های حسابرسی را تعدیل می‌کند. روی هم رفته، شواهد نشان می‌دهد که حسابرسان پاداش‌های مرتبط با عملکرد مدیران را یک عامل خطر می‌دانند و آن را در حسابرسی صورت مالی قیمت‌گذاری می‌کنند، با حاکمیت شرکتی این اثر قیمت‌گذاری را تعدیل می‌کنند.

ویوانداری و فیترا^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر نوع مالکیت نهادی بر حق الزحمه‌های حسابرسی با حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر تعدیلگر به بررسی تأثیر نوع مالکیت نهادی بر حق الزحمه حسابرسی و نقش حاکمیت شرکتی به عنوان متغیر تعدیل‌کننده پرداختند. در این تحقیق داده‌های شرکت‌ها از سال ۲۰۱۲-۲۰۱۶ بررسی شد. نتایج نشان داد که مالکیت نهادی خانوادگی بر حق الزحمه‌های حسابرسی تأثیر معناداری نداشته است. با این حال، مالکیت نهادی تأثیر مثبت معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد. مالکیت دولت فقط با متغیرهای تعدیل‌کننده حاکمیتی بر حق الزحمه‌های حسابرسی تأثیر منفی دارد.

میترا و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی تحت عنوان اعتماد به نفس کاذب مدیریتی، توانایی، حاکمیت شرکتی و حق الزحمه حسابرسی تأثیر اعتماد به نفس کاذب مدیریتی، توانایی، حاکمیت شرکتی و حق الزحمه حسابرسی را بررسی کردند. آنان دریافتند که بین اعتماد به نفس کاذب مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های با توانایی مدیریتی بالاتر حق الزحمه حسابرسی کمتری را پرداخت می‌کنند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که ویژگی‌های هیئت مدیره تأثیر مثبتی بر روابط بین اعتماد به نفس کاذب مدیریتی و حق الزحمه حسابرسی دارد.

روستایی و همکاران (۱۳۹۹) پژوهشی با عنوان نقش دستورالعمل کنترل‌های داخلی، کمیته حسابرسی و تخصص مالی هیئت‌مدیره بر رابطه تخصص مالی مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی را مورد بررسی قرار دادند. با بهره‌گیری از تحلیل رگرسیون خطی چندمتغیره و بررسی ۶۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۷ ساله طی سال‌های ۱۳۸۸ الی ۱۳۹۶ نتایج نشان می‌دهد که رابطه مستقیم و معناداری بین تخصص مالی مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی وجود دارد. به عبارت دیگر در شرکت‌هایی که مدیران عامل آن‌ها دارای دانش و تخصص مالی هستند حق الزحمه بیشتری به حسابرسان پرداخت می‌شود. این در حالی است که در شرکت‌هایی که کمیته حسابرسی متخصص وجود دارد رابطه بین تخصص مالی مدیرعامل و حق الزحمه معکوس می‌باشد.

محسنی و بختیاری (۱۳۹۷) پژوهشی با عنوان رابطه مکانیزم‌های راهبری شرکتی و حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را مورد بررسی قرار دادند. بر این اساس، ۱۰۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۵ به عنوان نمونه انتخاب گردید. یافته‌های پژوهش در خصوص ارتباط بین برخی از مکانیزم‌های راهبری شرکتی و حق الزحمه حسابرسی بیانگر وجود رابطه منفی بین حق الزحمه حسابرسی و درصد اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره و رابطه مثبت بین دوگانگی مدیرعامل با حق الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده است. همچنین، رابطه بین دوگانگی مدیرعامل و حق الزحمه حسابرسی هنگامی که مالکیت پراکنده است، قوی‌تر است.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نوع پژوهش‌های کاربردی است. پژوهش کاربردی، پژوهشی است که نظریه‌ها، قانونمندی‌ها، اصول و فنون را برای حل مسائل واقعی به کار می‌گیرد. همچنین این پژوهش از نوع پژوهش‌های همبستگی است، زیرا به دنبال

¹ Vivandari and Fitriani

² Mitra et al

یافتن ارتباط بین چندین متغیر است. روش‌شناسی پژوهش حاضر از نوع پس‌رویدادی است، بدین معنی که انجام پژوهش براساس اطلاعات گذشته انجام می‌شود. در این پژوهش به منظور انجام آزمون فرضیه‌ها از روش رگرسیون چندمتغیره و مدل‌های اقتصادسنجی بهره گرفته شده است. تحلیل‌های آماری از طریق نرم‌افزار آماری ایویوز انجام پذیرفت. قلمرو زمانی این پژوهش، برای یک دوره هفت‌ساله از سال ۱۳۹۲ لغایت ۱۳۹۸ تعیین شده و قلمرو مکانی آن نیز کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که کلیه شرایط زیر را داشته باشند:

- ۱- اطلاعات صورت مالی آن‌ها از سال ۱۳۹۲ به‌طور کامل و پیوسته در دسترس باشد.
- ۲- جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، واسطه‌گری مالی و بیمه‌ای نباشند، زیرا ماهیت این شرکت‌ها با سایر شرکت‌های عضو بورس متفاوت است.
- ۳- همه داده‌های متغیرهای پژوهش برای شرکت‌های موردنظر قابل دسترس باشد.
- ۴- شرکت طی بازه زمانی پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشد.

با توجه به شرایط فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۱۱ شرکت به‌عنوان نمونه انتخاب شد. بنابراین مشاهدات ما برابر با ۷۷۷ سال - شرکت خواهد بود.

فرضیه پژوهش

فرضیه اول: پاداش مدیران بر حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر معناداری دارد.
فرضیه دوم: حاکمیت شرکتی بر رابطه بین پاداش مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی تأثیر معناداری دارد.

مدل و متغیرهای پژوهش

به‌منظور آزمون فرضیه اول از مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی طبق پژوهش شارما و همکاران (۲۰۲۰) برحسب رابطه (۱) استفاده می‌شود:

$$\text{LnAF}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Lncompensation}_{it} + \beta_2 \text{Auditortype}_{it} + \beta_3 \text{SIZE}_{it} + \beta_4 \text{LEV}_{it} + \beta_5 \text{AGE}_{it} + \beta_6 \text{CURRENT}_{it} + \beta_7 \text{ROA}_{it} + \beta_8 \text{MTB}_{it} + \beta_9 \text{SALES}_{it} + \beta_{10} \text{Switch}_{it} + \beta_{11} \text{OPN}_{it} + \beta_{12} \text{Newauditor}_{it} + \beta_{13} \text{LOSS}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (1)$$

کلیه فرضیه‌های پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد مورد آزمون قرار می‌گیرد و به‌منظور آزمون فرضیه اول پژوهش، ضریب β_1 در نظر گرفته می‌شود و چنانچه در سطح اطمینان موردنظر معنادار باشد فرضیه اول پژوهش رد نخواهد شد. به‌منظور آزمون فرضیه دوم از مدل رگرسیونی چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی طبق پژوهش شارما و همکاران (۲۰۲۰) برحسب رابطه (۲) استفاده می‌شود:

$$\text{LnAF}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Lncompensation}_{it} + \beta_2 \text{GOV}_{it} + \beta_3 \text{Lncompensation}_{it} \times \text{GOV}_{it} + \beta_4 \text{Auditortype}_{it} + \beta_5 \text{SIZE}_{it} + \beta_6 \text{LEV}_{it} + \beta_7 \text{AGE}_{it} + \beta_8 \text{CURRENT}_{it} + \beta_9 \text{ROA}_{it} + \beta_{10} \text{MTB}_{it} + \beta_{11} \text{SALES}_{it} + \beta_{12} \text{Switch}_{it} + \beta_{13} \text{OPN}_{it} + \beta_{14} \text{Newauditor}_{it} + \beta_{15} \text{LOSS}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

به‌منظور آزمون فرضیه دوم پژوهش، ضریب β_3 در نظر گرفته می‌شود و چنانچه در سطح اطمینان موردنظر معنادار باشد فرضیه دوم پژوهش رد نخواهد شد.

متغیر وابسته

حق‌الزحمه حسابرسی (LnAF_{it}): شامل هرگونه وجهی است که بابت ارائه خدمات حسابرسی و طبق توافق یا قرارداد به حسابرس یا مؤسسه حسابرسی پرداخت می‌شود. برای محاسبه آن از لگاریتم طبیعی میزان حق‌الزحمه حسابرسی

استفاده شده است (تسوی و همکاران، ۲۰۰۱؛ کارسلو و همکاران، ۲۰۰۲؛ میترا و همکاران، ۲۰۰۷؛ فرگوسن و تیلور^۱، ۲۰۰۷؛ گریفین و همکاران، ۲۰۰۹؛ وانگ^۲، ۲۰۱۰؛ برایان و میسون^۳، ۲۰۱۶؛ رجبی و خشوئی، ۱۳۸۷؛ نیکبخت و تنانی، ۱۳۸۹؛ علوی طبری و همکاران، ۱۳۹۰). اطلاعات حق الزحمه حسابرسی از یادداشت‌های توضیحی، بخش هزینه‌های اداری و عمومی یا سایر هزینه‌ها و یا گزارش هیئت‌مدیره استخراج شده است.

متغیر مستقل

پاداش مدیران ($Lncompensation_{it}$): جهت محاسبه پاداش مدیران، از لگاریتم طبیعی پاداش مدیران شرکت استفاده می‌شود. در سال‌هایی که پاداش مدیران صفر است، این عدد صفر لحاظ می‌شود (امینی فرد و صالحی، ۱۳۹۸).

متغیر تعدیل‌گر

حاکمیت شرکتی (GOV_{it}): به منظور محاسبه حاکمیت شرکتی، به پیروی از پژوهش‌های نورواتی و همکاران^۴ (۲۰۱۰)، نتم و همکاران^۵ (۲۰۱۳)، سبزعلی پور و همکاران (۱۳۹۱) و حساس یگانه و همکاران (۱۳۹۳) از معیار استقلال هیئت‌مدیره بهره گرفته شده است. جهت محاسبه آن از نسبت اعضای غیرموظف هیئت‌مدیره به کل اعضای هیئت‌مدیره استفاده شده است.

متغیرهای کنترلی

نوع مؤسسه حسابرسی ($Auditor_{it}$): برای محاسبه آن شرکت‌هایی که حسابرسی آن‌ها مؤسسات حسابرسی رتبه الف جامعه حسابداران رسمی ایران باشد عدد یک منظور می‌شود، در غیر این صورت صفر. اندازه شرکت ($SIZE_{it}$): از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها در پایان سال مالی برای محاسبه اندازه شرکت استفاده می‌شود. اهرم مالی (LEV_{it}): برای محاسبه اهرم مالی از نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها در پایان سال مالی استفاده می‌گردد. عمر شرکت (AGE_{it}): برابر است با لگاریتم طبیعی تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار تهران پذیرش شده است.

نسبت جاری ($CURRENT_{it}$): برابر است با نسبت دارایی‌های جاری به کل دارایی‌های شرکت. بازده دارایی (ROA_{it}): برای محاسبه بازده دارایی از نسبت درآمد خالص سالیانه به کل دارایی‌ها استفاده می‌شود. رشد شرکت (MTB_{it}): از نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به دست می‌آید. رشد فروش ($SALES_{it}$): درصد تغییر در فروش‌های جاری نسبت به سال گذشته، رشد فروش محاسبه می‌گردد. تغییر مؤسسه حسابرسی ($Switch_{it}$): اگر مؤسسه حسابرسی رتبه الف به سایر رتبه‌ها تغییر کند عدد یک و در غیر این صورت صفر لحاظ می‌شود. نظر حسابررس (OPN_{it}): اگر گزارش حسابررس درباره صورت‌های مالی شرکت مقبول باشد عدد یک، در غیر این صورت عدد صفر منظور می‌گردد.

¹ Ferguson and Taylor

² Wang

³ Bryan and Mason

⁴ Nurwati et al

⁵ Ntim et al

حسابرس نخستین (Newauditor_{it}): متغیر مجازی است که برای سال اولی که مؤسسه حسابرسی مشغول به کار شده است عدد یک در نظر گرفته می‌شود و در غیر این صورت صفر می‌گیرد.
وضعیت سودآوری (LOSS_{it}): متغیر کیفیتی است که اگر شرکت زیان گزارش کرده باشد عدد یک و در غیر این صورت صفر خواهد بود.

یافته‌های پژوهش

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول (۱)، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول (۱): آمار توصیفی

پنل متغیرهای پیوسته						
مشاهدات	انحراف معیار	کمترین	بیشترین	میانه	میانگین	متغیر
۷۷۷	۱/۱۵۷	۲/۸۴۲	۱۲/۲۶۱	۶/۸۰۷	۶/۸۵۱	Lnaf
۷۷۷	۳/۶۱۳	۰	۱۲/۰۷۱	۶/۵۵۱	۴/۵۲۴	Lncomp
۷۷۷	۰/۲۵۲	۰/۲	۱	۰/۴	۰/۴۶۵	Gov
۷۷۷	۱/۵۰۲	۱۰/۴۳۵	۲۰/۱۸۳	۱۴/۲۷۵	۱۴/۳۵۵	Size
۷۷۷	۰/۱۹۵	۰/۱۴۷	۰/۹۷۸	۰/۵۹۳	۰/۵۸۶	Lev
۷۷۷	۰/۴۴۷	۲/۰۷۹	۴/۰۹۴	۳/۰۹۱	۳/۱۰۹	Age
۷۷۷	۰/۱۹۲	۰/۱۲۱	۰/۹۷۵	۰/۷۰۵	۰/۶۷۶	Current
۷۷۷	۰/۲۳۹	۰/۰۵۳	۰/۹۷۰	۰/۵۵۴	۰/۵۴۴	Roa
۷۷۷	۱/۹۶۳	-۰/۶۹۸	۸/۹۶۴	-۰/۳۸۱	۱/۳۶۳	Mtb
۷۷۷	۰/۲۴۵	-۰/۴۱۶	۰/۹۸۸	۰/۱۴۵	۰/۱۹۱	Sales
پنل متغیرهای گسسته						
مشاهدات	درصد صفر		درصد یک		متغیر	
۷۷۷	۴۹/۸۱		۵۰/۱۹		Auditortype	
۷۷۷	۹۸/۴۶		۱/۵۴		Switch	
۷۷۷	۵۴/۹۵		۴۵/۰۵		Opn	
۷۷۷	۸۵/۸۴		۱۴/۱۶		Newauditor	
۷۷۷	۸۲/۶۳		۱۷/۳۷		Loss	

مهم‌ترین شاخص مرکزی میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص مناسبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌ها می‌باشد. همان‌طور که در جدول (۴-۱) می‌توان مشاهده کرد، میانگین حق‌الزحمه حسابرسی برابر با ۶/۸۵۱ است. میانگین متغیر پاداش مدیران ۴/۵۲۴ می‌باشد. متوسط متغیر حاکمیت شرکتی برابر با ۰/۴۶۵ است که نشان می‌دهد حدود ۴۶ درصد از مشاهدات (شرکت - سال) دارای استقلال در هیئت‌مدیره هستند. میانگین متغیر اهرم مالی برابر ۰/۵۸۶ است که نشان می‌دهد شرکت‌ها حدود ۵۸ درصد منابع مالی خود را، از طریق بدهی تأمین می‌کنند، می‌توان عنوان کرد که ۵۸ درصد از شرکت‌ها ریسک مالی بالایی را پذیرفته‌اند. همچنین، حدود ۴۵ درصد گزارشات حسابرسی مقبول بوده و ۵۰ درصد شرکت‌های مورد مطالعه توسط مؤسسات حسابرسی رتبه الف مورد حسابرسی قرار گرفته‌اند.

پیش فرض‌های رگرسیون

میزان اعتبار مدل‌های برآورد شده به میزان برقراری پیش فرض‌های لازم رگرسیون برای برآورد مدل است. مهم‌ترین پیش فرض‌های عبارتند از:

بررسی عدم خودهمبستگی

برای بررسی عدم خودهمبستگی در نتایج مدل رگرسیونی از آماره دوربین - واتسون استفاده شده است. به طوری که اگر آماره دوربین - واتسون بین ۱/۵ تا ۲/۵ باشد خودهمبستگی در مدل وجود ندارد. خلاصه نتایج این آزمون در جدول (۲) ارائه شده است.

جدول (۲): نتایج آزمون دوربین - واتسون

سطح معناداری	آماره F	دوربین - واتسون	ضریب تعیین تعدیل شده	ضریب تعیین	مدل
۰/۰۰۰	۳۷/۱۷۸	۱/۶۷۳	۰/۳۷۷	۰/۳۸۷	اول
۰/۰۰۰	۳۳/۳۹۱	۱/۶۸۰	۰/۳۸۵	۰/۳۹۶	دوم

همسانی واریانس خطاهای مدل

برای بررسی همسان بودن واریانس خطاهای مدل از آزمون وایت استفاده شده است. نتایج حاصل از انجام آزمون وایت به شرح جدول (۳) است.

فرض‌های آماری پژوهش در آزمون وایت به شرح زیر است:

فرض صفر (H_0): واریانس مقادیر خطا همسان است.

فرض یک (H_1): واریانس مقادیر خطا همسان نیست.

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، سطح معناداری آزمون وایت کمتر از سطح خطای ۵٪ است. بنابراین، در سطح خطای ۵٪ فرضیه H_0 این آزمون مبنی بر همسان بودن واریانس‌ها رد می‌شود و در مقابل فرضیه شماره یک مبنی بر ناهمسانی واریانس‌ها پذیرفته می‌شود.

جدول (۳): نتیجه آزمون وایت

نتیجه	احتمال	آماره	مدل
ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۵/۶۱۵	اول
ناهمسانی واریانس	۰/۰۰۰	۴/۴۳۰	دوم

آزمون هم خطی

برای تعیین هم خطی بین متغیرهای مستقل و کنترلی از عامل تورم واریانس (VIF) استفاده می‌شود. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۵ باشد، نشان دهنده عدم وجود هم خطی می‌باشد. نتایج در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴): آزمون هم خطی بین متغیرها

فرضیه اول	فرضیه دوم	متغیر	نماد
عامل تورم واریانس (VIF)	عامل تورم واریانس (VIF)	پاداش مدیران	Lncomp
۴/۶۱	۱/۱۹	حاکمیت شرکتی	Gov
۲/۸۳		پاداش مدیران × حاکمیت شرکتی	Incomp × gov
۴/۵۸			

۱/۲۵	۱/۲۵	نوع مؤسسه حسابرسی	Auditortype
۱/۳۵	۱/۳۴	اندازه شرکت	Size
۱/۱۳	۱/۱۲	اهرم مالی	Lev
۱/۱۸	۱/۱۷	عمر شرکت	Age
۱/۲۲	۱/۱۹	نسبت جاری	Current
۱/۰۸	۱/۰۶	بازده دارایی	Roa
۱/۰۹	۱/۰۸	رشد شرکت	Mtb
۱/۰۳	۱/۰۳	رشد فروش	Sales
۱/۱۱	۱/۱۱	تغییر مؤسسه حسابرسی	Switch
۱/۱۳	۱/۱۲	نظر حسابرس	Opn
۱/۰۹	۱/۰۹	حسابرس نخستین	Newauditor
۱/۳۱	۱/۳۰	وضعیت سودآوری	Loss

آزمون تعیین نوع داده‌ها

بمنظور انتخاب بین روش داده‌های تابلویی و تلفیقی در برآورد مدل، از آزمون اف لیمر استفاده شده است. برای بررسی نتایج اف لیمر، در صورتی که احتمال آمار اف بیشتر از ۰/۰۵ باشد، باید از روش داده‌های تلفیقی استفاده کرد، در غیر این صورت از روش داده‌های تابلویی استفاده می‌شود.

در صورت پذیرفته شده روش داده‌های تابلویی، سپس باید آزمون هاسمن را جهت انتخاب بین روش اثرات تصادفی یا ثابت بکار برد. در آزمون هاسمن، در صورتی که احتمال آماره کای دو بیشتر از ۰/۰۵ باشد، باید از روش اثرات تصادفی و در غیر این صورت از روش اثرات ثابت استفاده شود. خلاصه نتایج آزمون اف لیمر و هاسمن در جدول (۵) ارائه شده است. با توجه به نتایج جدول (۵)، از مدل اثرات ثابت استفاده شده است.

جدول (۵): آزمون اف لیمر و هاسمن

آزمون هاسمن			آزمون اف لیمر			
نتیجه	احتمال	آماره کای دو	نتیجه	احتمال	آماره F لیمر	مدل
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۴۵/۵۱۶	تابلویی	۰/۰۰۰	۱۷/۹۱۳	اول
اثرات ثابت	۰/۰۰۰	۵۱/۹۰۱	تابلویی	۰/۰۰۰	۱۷/۵۲۶	دوم

تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از برآورد مدل

جدول (۶) نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول پژوهش را با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول (۶) می‌توان مشاهده کرد، در آزمون مدل، مقدار احتمال آماره F برابر صفر و این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است. پس می‌توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان مدل معنادار می‌باشد. همچنین نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۳۷ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

بر اساس نتایج حاصل شده در جدول (۶)، ضریب متغیر پاداش مدیران برابر ۰/۰۷۸ می‌باشد و همچنین احتمال آماره t مربوط به متغیر موردنظر نشان می‌دهد با سطح اطمینان ۹۵ درصدی، ضریب متغیر پاداش مدیران معنادار است. علاوه بر

این علامت مثبت این ضریب نشان دهنده رابطه مستقیم بین متغیر پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. بر این اساس فرضیه پاداش مدیران بر حق الزحمه حسابرسی تأثیر معناداری دارد رد نمی‌شود. افزون بر این، احتمال آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که متغیرهای نوع مؤسسه حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم مالی، سن شرکت، تغییر مؤسسه حسابرسی، نظر حسابرس و وضعیت سودآوری معنادار می‌باشد. علاوه بر این علامت ضریب متغیرهای نوع مؤسسه حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم مالی، سن شرکت و نظر حسابرس مثبت است که نشان دهنده رابطه مستقیم بین این متغیرها با متغیر وابسته بوده و علامت ضریب متغیرهای تغییر مؤسسه حسابرسی و وضعیت سودآوری منفی می‌باشد که نشان دهنده رابطه معکوس با متغیر وابسته است.

جدول (۶): نتیجه آزمون فرضیه اول

$\text{LnAF}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Lncompensation}_{it} + \beta_2 \text{Auditortype}_{it} + \beta_3 \text{SIZE}_{it} + \beta_4 \text{LEV}_{it} + \beta_5 \text{AGE}_{it} + \beta_6 \text{CURRENT}_{it} + \beta_7 \text{ROA}_{it} + \beta_8 \text{MTB}_{it} + \beta_9 \text{SALES}_{it} + \beta_{10} \text{Switch}_{it} + \beta_{11} \text{OPN}_{it} + \beta_{12} \text{Newauditor}_{it} + \beta_{13} \text{LOSS}_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
پاداش مدیران	۰/۰۷۸	۰/۰۰۹	۷/۸۶	۰/۰۰۰
نوع مؤسسه حسابرسی	۰/۲۱۳	۰/۰۷۳	۲/۹۰	۰/۰۰۳
اندازه شرکت	۰/۲۹۳	۰/۰۲۵	۱۱/۶۱	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۵۶۲	۰/۱۷۷	۳/۱۶	۰/۰۰۱
عمر شرکت	۰/۵۶۲	۰/۰۷۹	۷/۰۸	۰/۰۰۰
نسبت جاری	-۰/۳۳۷	۰/۱۸۶	-۱/۸۰	۰/۰۷۰
بازده دارایی	۰/۰۹۳	۰/۱۴۱	۰/۶۶	۰/۵۰۸
رشد شرکت	-۰/۰۲۸	۰/۰۱۷	-۱/۶۲	۰/۱۰۳
رشد فروش	-۰/۰۹۶	۰/۱۳۵	-۰/۷۰۹	۰/۴۷۸
تغییر مؤسسه حسابرسی	-۰/۸۸۸	۰/۲۸۰	-۳/۱۶	۰/۰۰۱
نظر حسابرس	۰/۱۷۶	۰/۰۶۹	۲/۵۲	۰/۰۱۱
حسابرس نخستین	۰/۰۲۰	۰/۰۹۸	۰/۲۱	۰/۸۳۲
وضعیت سودآوری	-۰/۲۷۴	۰/۰۹۸	-۲/۷۷	۰/۰۰۵
مقدار ثابت	۱/۰۱۵	۰/۴۳۱	۲/۳۵	۰/۰۱۸
ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	احتمال آماره F	
۰/۳۸۷	۰/۳۷۷	۳۷/۱۷۸	۰/۰۰۰	

جدول (۷) نتایج حاصل از آزمون فرضیه دوم پژوهش را با استفاده از مدل رگرسیون چندگانه مبتنی بر داده‌های ترکیبی نشان می‌دهد.

همان‌طور که در جدول (۷) می‌توان مشاهده کرد، در آزمون مدل، مقدار احتمال آماره F برابر صفر و این مقدار کمتر از ۰/۰۵ است. پس می‌توان گفت با ۹۵ درصد اطمینان مدل معنادار می‌باشد. همچنین نتایج مربوط به ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد که حدود ۳۸ درصد تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

بر اساس نتایج حاصل شده در جدول (۷)، ضریب متغیر تعاملی (پاداش مدیران × حاکمیت شرکتی) برابر ۰/۰۸۲ می‌باشد و همچنین احتمال آماره t مربوط به متغیر مورد نظر نشان می‌دهد با سطح اطمینان ۹۵ درصدی، ضریب متغیر تعاملی معنادار است. علاوه بر این علامت مثبت این ضریب نشان دهنده رابطه مستقیم بین متغیر تعاملی (پاداش مدیران ×

حاکمیت شرکتی) و حق الزحمه حسابرسی می‌باشد. بر این اساس فرضیه حاکمیت شرکتی بر رابطه بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی تأثیر معناداری دارد رد نمی‌شود.

افزون بر این، احتمال آماره t مربوط به متغیرهای کنترلی نشان می‌دهد که متغیرهای نوع مؤسسه حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم مالی، عمر شرکت، تغییر مؤسسه حسابرسی، نظر حسابرس و وضعیت سودآوری معنادار می‌باشد. علاوه بر این علامت ضریب متغیرهای نوع مؤسسه حسابرسی، اندازه شرکت، اهرم مالی، سن شرکت و نظر حسابرس مثبت است که نشان‌دهنده رابطه مستقیم بین این متغیرها با متغیر وابسته بوده و علامت ضریب متغیرهای تغییر مؤسسه حسابرسی و وضعیت سودآوری منفی می‌باشد که نشان‌دهنده رابطه معکوس با متغیر وابسته است.

جدول (۷): نتیجه آزمون فرضیه دوم

$\text{LnAF}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Lncompensation}_{it} + \beta_2 \text{GOV}_{it} + \beta_3 \text{Lncompensation}_{it} \times \text{GOV}_{it} + \beta_4 \text{Auditortype}_{it} + \beta_5 \text{SIZE}_{it} + \beta_6 \text{LEV}_{it} + \beta_7 \text{AGE}_{it} + \beta_8 \text{CURRENT}_{it} + \beta_9 \text{ROA}_{it} + \beta_{10} \text{MTB}_{it} + \beta_{11} \text{SALES}_{it} + \beta_{12} \text{Switch}_{it} + \beta_{13} \text{OPN}_{it} + \beta_{14} \text{Newauditor}_{it} + \beta_{15} \text{LOSS}_{it} + \varepsilon_{it}$				
متغیر	ضریب	خطای استاندارد	آماره t	احتمال آماره t
پاداش مدیران	۰/۰۴۲	۰/۰۱۹	۲/۱۷	۰/۰۳۰
حاکمیت شرکتی	۰/۷۲۲	۰/۲۱۷	۳/۳۲	۰/۰۰۰
پاداش مدیران × حاکمیت شرکتی	۰/۰۸۲	۰/۰۳۶	۲/۲۳	۰/۰۲۵
نوع مؤسسه حسابرسی	۰/۲۱۴	۰/۰۷۳	۲/۹۴	۰/۰۰۳
اندازه شرکت	۰/۲۹۱	۰/۰۲۵	۱۱/۵۶	۰/۰۰۰
اهرم مالی	۰/۵۳۹	۰/۱۷۶	۳/۰۵	۰/۰۰۲
عمر شرکت	۰/۵۴۸	۰/۰۷۹	۶/۹۲	۰/۰۰۰
نسبت جاری	-۰/۲۸۵	۰/۱۸۷	-۱/۵۱	۰/۱۲۹
بازده دارایی	۰/۰۶۰	۰/۱۴۱	۰/۴۳۰	۰/۶۶۷
رشد شرکت	-۰/۰۲۷	۰/۰۱۷	-۱/۵۷	۰/۱۱۵
رشد فروش	-۰/۱۰۶	۰/۱۳۵	-۰/۷۹	۰/۴۲۹
تغییر مؤسسه حسابرسی	-۰/۹۱۱	۰/۲۷۸	-۳/۲۷	۰/۰۰۱
نظر حسابرس	۰/۱۹۸	۰/۰۶۹	۲/۸۴	۰/۰۰۴
حسابرس نخستین	۰/۰۲۸	۰/۰۹۷	۰/۲۹	۰/۷۶۶
وضعیت سودآوری	-۰/۲۵۳	۰/۰۹۸	-۲/۵۷	۰/۰۱۰
مقدار ثابت	۰/۷۴۸	۰/۴۳۷	۱/۷۱	۰/۰۸۷
ضریب تعیین	۰/۳۹۶			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۳۸۵			
آماره F			۳۳/۳۹۱	
احتمال آماره F				۰/۰۰۰

بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مکاتب فکری و یافته‌های ادبی بسیاری درباره پاداش مدیرعامل مبتنی بر انگیزه و تأثیرات بالقوه آن در حسابرسی وجود دارد. به احتمال زیاد افزایش خطر تقلب ناشی از پاداش‌های مبتنی بر انگیزه ریشه یک بحث در رسیدگی حسابرسان است. در حقیقت، پاداش‌های مبتنی بر انگیزه به طور خاص در استاندارد حسابرسی و ارزیابی ریسک کلاهبرداری گنجانده شده است. تحقیقات گسترده‌ای از این ایده حمایت می‌کند که چنین پاداش‌هایی می‌تواند به انگیزه‌های مختلف باعث ایجاد انگیزه در مدیریت سود شود. این ادبیات نتیجه می‌گیرد که مشوق‌های پاداش مدیران می‌تواند منافع بین سهامداران و مدیریت را ناهماهنگ کرده و منجر به مشکلات نمایندگی شود. در نظریه نمایندگی پیش‌بینی شده است، که مشوق‌های مدیرعامل و منافع سهامداران همسو می‌باشد. که این همسویی، انگیزه‌های مدیران را برای تأکید بر سودهای

شخصی کوتاه مدت با هزینه سهامداران کاهش می دهد و باعث می شود اطلاعات دقیق تر و مرتبط با ارزش به سهامداران انتقال یابد. همچنین انگیزه های سهامداران باعث دلسردی مدیرعامل در سرمایه گذاری ها و سیاست های مالی پرریسک می شود. بنابراین، این استدلال حاکی از آن است که پاداش انگیزه مدیرعامل ممکن است با حق الزحمه های حسابرسی ارتباط منفی داشته باشد. پاداش، مدیران را برای دست کاری سود تحریک می کند. بنابراین، با افزایش پاداش پرداختی به مدیران انگیزه آن ها برای دست کاری اقلام تعهدی و به عبارتی سود بیشتر شده که نیازمند حسابرسی با کیفیت بالاتر و در نتیجه حق الزحمه حسابرسی بالاتری می باشد. مکانیزم های حاکمیت شرکتی یک شرکت بر پاداش مدیران و حق الزحمه های حسابرسی تأثیر می گذارد. با در نظر گرفتن پاداش مدیران، مدت هاست که مدیران به عنوان تعیین کننده اصلی ساختار پرداختی به مدیریت توصیف می شوند. این فرآیند پیچیده توصیف می شود زیرا، ترتیبات پاداش ناشی از یک فرآیند پویا است که شامل مدیر عامل، مدیران و بازار کار اجرایی می شود. در حالی که برخی معتقدند بسته های پاداش مدیران نتیجه قراردادی بهینه در یک بازار رقابتی استعدادهای مدیریتی است. یک نظر مخالف ادعا می کند که مدیران عامل از قدرت خود استفاده می کنند تا بر پاداش های خود تأثیر بگذارند. هر دوی این دیدگاه ها با شواهد تحقیقاتی پشتیبانی می شوند که در مورد تأثیرات متفاوت حاکمیت شرکتی بر پاداش مدیران صحبت می کنند. دیدگاه دیگر در ادبیات نشان می دهد که اثربخشی هیئت مدیره بیشتر (ضعیف) ممکن است جایگزین (عدم جایگزین) پاداش مبتنی بر انگیزه شود زیرا هیئت مدیره های قوی تر (ضعیف تر) نمی توانند از نزدیک مدیرعاملان را کنترل کنند تا آن ها را با سهامداران مطابقت دهد. نشان داده شده است که هیئت مدیره های قوی تر پاداش مبتنی بر عملکرد مدیرعامل کمتری را توزیع می کنند. در حالی که هیئت های ضعیف تر بیشتر به پاداش مبتنی بر عملکرد اعتماد می کنند. به طور کلی، شواهد رابطه ای بین حاکمیت شرکتی شرکت و پاداش مدیرعامل را نشان می دهند. در رابطه با حق الزحمه های حسابرسی، شواهد زیادی وجود دارد که ویژگی های هیئت مدیره و کمیته حسابرسی مانند اندازه، استقلال، تخصص و جلسات تأثیرات گسترده ای بر نتایج حسابرسی دارد. دیدگاه مبتنی بر ریسک نشان می دهد حسابرسان به دلیل احتمال کمتر (بیشتر) احتمال خرابی کنترل داخلی و احتمال پایین تر (بالاتر) احتمال گزارش دهی مالی نادرست مالی، کارمزد حسابرسی را برای شرکت های تحت کنترل (ضعیف) کاهش می دهند (افزایش می دهند). از این رو هدف اول بررسی تأثیر پاداش مدیران بر حق الزحمه حسابرسی بود که با توجه به نتایج بدست آمده مشاهده شد تأثیر مثبت و معناداری بر حق الزحمه حسابرسی دارد و نتایج این پژوهش با پژوهش شارما و همکاران (۲۰۲۰) همسو است. هدف دوم به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین پاداش مدیران و حق الزحمه حسابرسی بود که تأثیر معنادار را نشان داد و نتایج این پژوهش با پژوهش شارما و همکاران (۲۰۲۰) همسو است.

در راستای پژوهش انجام شده و نتایج به دست آمده از آن برخی از پیشنهاد های پژوهش به شرح زیر بیان می شود:
پیشنهاد می شود برای کاهش ریسک تقلب در شرکت و ایجاد اطمینان در سرمایه گذاران نسبت به اخذ تصمیمات کارا و بهینه توسط مدیریت، طرح های پاداشی مبتنی بر عملکرد بلندمدت برای مدیران در نظر گرفته شود.

افشای اطلاعات مرتبط با حق الزحمه حسابرسی در یادداشت های همراه صورت های مالی به منظور فراهم آوردن امکان پیش بینی ریسک اطلاعاتی شرکت توسط سرمایه گذاران و سایر افراد ذی نفع.

سازمان بورس و اوراق بهادار به عنوان نهاد قانون گذار در تدوین قوانین و مقررات مربوط به حاکمیت شرکتی و انجام امور نظارتی توجه بیشتری را به شرکت هایی که دارای حاکمیت شرکتی ضعیف هستند، معطوف دارد.

به سرمایه گذاران در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می گردد که کاهش حق الزحمه حسابرسی را به عنوان معیاری برای افزایش در سطح صنعت استفاده نمایند. توضیح اینکه افزایش رقابت در هر صنعت، می تواند عواقب مثبت و منفی متعددی داشته باشد که به این ترتیب، سرمایه گذاران می بایست با در نظر گرفتن وضعیت

خاص صنعت، بررسی نمایند که آیا آن افزایش رقابت، موقعیت سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های فعال در صنعت موردنظر را بهبود می‌بخشد و یا تضعیف می‌کند. لذا ارائه پیشنهاد کلی برای خرید یا فروش سهام، ممکن نیست. ایجاد نظام حاکمیت شرکتی بهتر به کیفیت بهتر صورت‌های مالی و کنترل داخلی قوی‌تر می‌انجامد و این موضوع حسابرسان را قادر می‌سازد قیمت ریسک حسابرسی و در نتیجه حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش دهند. به سهامداران و سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود که روند جریان‌های نقدی تاریخی شرکت‌ها را به دقت مورد بررسی قرار دهند و آن در تصمیمات سرمایه‌گذاری خود لحاظ کنند، چرا که احتمالاً ایجاد جریان‌های نقدی می‌تواند محرکی برای دریافت پاداش توسط مدیران باشد.

برای پژوهش‌های آتی نیز پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- ۱) بررسی تأثیر کیفیت گزارشگری مالی بر رابطه بین پاداش مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی
- ۲) بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه بین پاداش مدیران و حق‌الزحمه حسابرسی
- ۳) بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین پاداش هیئت‌مدیره و حق‌الزحمه حسابرسی

منابع

- ✓ اسماعیل زاده مقری، علی، جلیلی، محمد، عباس آبادی، عباس (۱۳۸۹)، بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود در بورس اوراق بهادار تهران، حسابداری مدیریت، دوره ۳، شماره ۴، صص ۷۹-۹۱.
- ✓ امیدوار، علی، (۱۳۸۹)، ۲۰ گام عملی در راستای بهبود حاکمیت شرکتی، مرکز ترویج حاکمیت و مسئولیت شرکتی.
- ✓ امینی فرد، زینب، صالحی، مهدی، (۱۳۹۸)، تأثیر تمرکز مشتری بر پاداش مدیران در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش حسابداری، دوره ۹، شماره ۱، صص ۱۲۱-۱۴۰.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، (۱۳۸۵)، حاکمیت شرکتی در ایران، فصلنامه حسابرسی، دوره ۸، شماره ۳۲، صص ۳۲-۳۹.
- ✓ حساس یگانه، یحیی، دیدار، حمزه، اسکندری، احمد، (۱۳۹۳)، بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت اقلام تعهدی اختیاری و غیراختیاری در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۱-۱۴.
- ✓ رجبی، روح‌الله، خشوئی، حمزه، (۱۳۸۷)، هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۵، شماره ۵۳، صص ۳۵-۵۲.
- ✓ روستایی، مهسا، بذرافشان، آمنه، وکیلان، مهدی، (۱۳۹۹)، نقش دستورالعمل کنترل‌های داخلی، کمیته حسابرسی و تخصص مالی هیئت‌مدیره بر رابطه تخصص مالی مدیرعامل و حق‌الزحمه حسابرسی، دانش حسابرسی، دوره ۲۰، شماره ۷۸، صص ۱۲۴-۱۴۱.
- ✓ سبزی پور، فرشاد، قیطاسی، روح‌اله، رحمتی، سلمان، (۱۳۹۱)، بررسی رابطه بین سازوکارهای حاکمیت شرکتی و دقت پیش‌بینی سود، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۱۲۳-۱۴۰.
- ✓ علوی طبری، حسین، رجبی، روح‌اله، شهبازی، منصوره، (۱۳۹۰)، رابطه نظام راهبری و حق‌الزحمه حسابرسی مستقل شرکت‌ها، مجله دانش حسابداری، دوره ۲، شماره ۵، صص ۷۵-۱۰۱.

- ✓ محسنی، عبدالرضا، بختیاری، عیسی، (۱۳۹۷)، تعیین رابطه مکانیزم‌های راهبری شرکتی و حق‌الزحمه حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، پنجمین کنفرانس ملی پژوهش‌های کاربردی در مدیریت و حسابداری، تهران.
- ✓ نیکبخت، محمدرضا، تنانی، محسن، (۱۳۸۹)، آزمون عوامل مؤثر بر حق‌الزحمه حسابرسی صورت‌های مالی، پژوهش‌های حسابداری مالی، دوره ۲، شماره ۲، صص ۱۱۱-۱۳۲.
- ✓ نیکومرام، هاشم، محمدزاده سالطه، حیدر، (۱۳۸۹)، رابطه بین حاکمیت شرکتی و مدیریت سود، مجله فراسوی مدیریت، دوره ۴۰، شماره ۱۵، صص ۱۸۷-۲۰۹.
- ✓ Anmol, B., Muhammad, J.A., Doureige, J. (2015). Audit Fees and Capital Structure Decision. www.ssrn.com.
- ✓ Archambeault, D., DeZoort, T., & Hermanson, D. R. (2008). Audit committee incentive compensation and accounting restatements. *Contemporary Accounting Research*, 25(4), 965–992.
- ✓ Armstrong, C. S., Larcker, D. F., Ormazabal, G., & Taylor, D. J. (2013). The relation between equity incentives and misreporting: The role of risktaking incentives. *Journal of Financial Economics*, 109(2), 327–350.
- ✓ Baber, W., Kang, S., Liang, L., & Zhu, Z. (2015). External corporate governance and misreporting. *Contemporary Accounting Research*, 32, 1413–1442.
- ✓ Bebchuk, L., & Fried, J. (2006). Pay Without Performance: Overview of the Issues. *Academy of Management Perspectives*, 20(1), 5–24.
- ✓ Bebchuk, L., Grinstein, Y., & Peyer, U. (2010). Lucky CEOs and lucky directors. *The Journal of Finance*, 65(6), 2363–2401.
- ✓ BenAli, C., Lesage, C. (2012). Audit Pricing and Nature of Controlling Shareholders: Evidence from France, *China Journal of Accounting Research*, 6(1), 21–34.
- ✓ Bergstresser, D., & Phillipon, T. (2006). CEO incentives and earnings management. *Journal of Financial Economics*, 80(3), 511–529.
- ✓ Billings, B. A., Gao, X., & Jia, Y. (2014). CEO and CFO Equity Incentives and the Pricing of Audit Services. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(2), 1–25.
- ✓ Boyle, G., & Roberts, H. (2013). CEO presence on the compensation committee: a puzzle. *Journal of Economics and Business*, 70, 16–26.
- ✓ Brockman, P., Martin, X., & Unlu, E. (2010). Executive compensation and the maturity structure of corporate debt. *The Journal of Finance*, 65(3), 1123–1161.
- ✓ Bryan, David B. and Mason, Terry (2016). The Influence of Earnings Management Conducted Through the Use of Accretive Stock Repurchases on Audit Fees. *Advances in Accounting*, 34, 99-109.
- ✓ Cahan, S., Chua, F., & Nyamori, R. (2005). Board Structure and Executive Compensation in the Public Sector: New Zealand Evidence. *Financial Accountability & Management*, 21(4), 437–465.
- ✓ Campbell, J. L., Hansen, J., Simon, C. A., & Smith, J. L. (2015). Audit committee stock options and financial reporting quality after the Sarbanes Oxley Act of 2002. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 34(2), 91–120.
- ✓ Carcello, J. V., Hermanson, D. R., & Ye, Z. (2011). Corporate governance research in accounting and auditing: Insights, practice implications, and future research directions. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30(3), 1–31.
- ✓ Chava, S., & Purnanandam, A. (2010). CEOs versus CFOs: Incentives and corporate policies. *Journal of Financial Economics*, 97(2), 263–278.

- ✓ Chen, Y., Gul, F. A., Veeraraghavan, M., & Zolotoy, L. (2015). Executive Equity Risk-Taking Incentives and Audit Pricing. *The Accounting Review*, 90(6), 2205–2234..
- ✓ Cheng, Q., & Warfield, T. D. (2005). Equity incentives and earnings management. *The Accounting Review*, 80(2), 441–476.
- ✓ Coakley, J., & Iliopoulou, S. (2006). Bidder CEO and other executive compensation in UK M&As. *European Financial Management*, 12(4), 609–631.
- ✓ Core, J. E., Holthausen, R. W., & Larcker, D. F. (1999). Corporate governance, chief executive officer compensation, and firm performance. *Journal of Financial Economics*, 51(3), 371–406.
- ✓ Cullinan, C. P., Du, H., & Jiang, W. (2010). Is compensating audit committee members with stock options associated with the likelihood of internal control weaknesses? *International Journal of Auditing*, 14(3), 256–273.
- ✓ Doogar, R., Sivadasan, P., Solomon, I. (2015). Audit Fee Residuals: Costs or Rents? *Review of Accounting Studies*, 20(4), 1247-1286.
- ✓ Efendi, J., Srivastava, A., & Swanson, E. P. (2007). Why do corporate managers misstate financial statements? The role of option compensation and other factors. *Journal of Financial Economics*, 85(3), 667–708.
- ✓ Erickson, M., Hanlon, M., & Maydew, E. L. (2006). Is there a link between executive equity incentives and accounting fraud? *Journal of Accounting Research*, 44(1), 113–143.
- ✓ Fahlenbrach, R. (2009). Founder-CEOs, investment decisions, and stock market performance. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 44 (2), 439–466.
- ✓ Fargher, N., Jiang, A., & Yu, Y. (2014). How do Auditors Perceive CEOs' Risk-Taking Incentives? *Accounting and Finance*, 54(4), 1157–1181.
- ✓ Feng, J., Ge, W., Luo, S., & Shevlin, T. (2011). Why do CFOs become involved in material accounting manipulations? *Journal of Accounting and Economics*, 51(1–2), 21–36.
- ✓ Ferguson, A., and S. Taylor, (2007), Free Cash Flow, Debtmonitoring and Audit Fees: A Re-Examination, Working Paper (University of New South Wales, Sydney, NSW).
- ✓ Gabaix, X., & Landier, A. (2008). Why has CEO pay increased so much? *The Quarterly Journal of Economics*, 123(1), 49–100.
- ✓ Ghafran, C., & O'Sullivan, N. (2017). The impact of audit committee expertise on audit quality: Evidence from UK audit fees. *The British Accounting Review*, 49, 578–593.
- ✓ Griffin, P. A., Lont, D. H., & Sun, Y. (2008). Corporate governance and audit fees: evidence of countervailing relations. *Journal of Contemporary Accounting and Economics*, 4(1), 18–49.
- ✓ Grinstein, Y., & Hribar, P. (2004). CEO compensation and incentives: Evidence from M&A bonuses. *Journal of Financial Economics*, 73(1), 119–143.
- ✓ Harris, J., & Bromiley, P. (2007). Incentives to cheat: The influence of executive compensation and firm performance on financial misrepresentation. *Organization Science*, 18(3), 350–367.
- ✓ Hay, D. (2013). Further evidence from meta-analysis of audit fee research. *International Journal of Auditing*, 17(2), 162–176.
- ✓ Hay, D., Knechel, R., & Wong, N. (2006). Audit Fees: A Meta-Analysis of the Effect of Supply and Demand Attributes. *Contemporary Accounting Research*, 23(1), 141–191.
- ✓ Himmelberg, C. P., & Hubbard, R. G. (2000, June). Incentive pay and the market for CEOs: An analysis of pay-for-performance sensitivity. In Tuck-JFE Contemporary Corporate Governance Conference.
- ✓ International Federation of Accountants (IFAC). (2010). IFAC News in Brief. International Federation of Accountants Update, November 5.
- ✓ Jensen, M. & Meekling, W. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, Agency costs and Ownership Structure. *Journal of financial Economics*, 3 (4): 305-360.

- ✓ Kannan, Y. H., Skantz, T. R., & Higgs, J. L. (2014). The Impact of CEO and CFO Equity Incentives on Audit Scope and Perceived Risks as Revealed through Audit Fees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 33(2), 111–139.
- ✓ Kim, Y., Li, H., & Li, S. (2015). CEO Equity Incentives and Audit Fees. *Contemporary Accounting Research*, 32(2), 608–638.
- ✓ Knechel, W., Sharma, D., & Sharma, V. (2012). Non-Audit Services and Knowledge Spillovers: Evidence from New Zealand. *Journal of Business Finance & Accounting*, 39(1–2), 60–81.
- ✓ Krishnan, G.V., Pevzner, M., Sengupta, P. (2012). How do Auditors View Managers' Voluntary Disclosure Strategy? The Effect of Earnings Guidance on Audit Fees. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31(5), 492-515.
- ✓ Lin, Y. (2018). The consequences of audit committee quality. *Managerial Auditing Journal*, 33(2), 192–216. <https://doi.org/10.1108/MAJ-03-2016-1350>.
- ✓ MacGregor, J. (2012). Audit committee equity holdings, the risk of reporting problems, and the achievement of earnings thresholds. *Journal of Accounting and Public Policy*, 31(5), 417–491.
- ✓ Ntim, C.G., Lindop, S. & Thomas, D.A. (2013). Corporate Fovernance and Risk Reporting in South Africa: A Study of Corporate Risk Disclosures in the Preand Post-2007/2008 Global Financial Crisis Periods. *International Review of Financial Analysis*, 30: 363-383.
- ✓ Nurwati A. et al. (2010). Corporate Governance and Earnings Forecasts Accuracy, *Asian Review of Accounting* Vol. 18 No. 1, 50-67.
- ✓ Pascal, Andre. (2004). OECD Principles of Corporate Governance. Head of Publications Service. OECD Publications Servic. 75775 Paris Cedex 16. France.
- ✓ Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). (2012). Proposed Auditing Standards – Related Parties, Proposed Amendments to Certain PCAOB Auditing Standards Regarding Significant Unusual Transactions and Other Proposed Amendments to PCAOB standards, PCAOB release no.
- ✓ Public Company Accounting Oversight Board (PCAOB). (2018). Identifying and Assessing Risks of Material Misstatement, Auditing Standard 2110.
- ✓ Reddy, K., Abidin, S., & You, L. (2015). Does corporate governance matter in determining CEO compensation in the publicly listed companies in New Zealand? An empirical investigation. *Managerial Finance*, 41(3), 301–327.
- ✓ Rickling, M. F., & Sharma, D. S. (2017). Audit committee cash compensation and propensity of firms to beat earnings by a large margin: Conditional effects of CEO power and agency risks. *International Journal of Auditing*, 21(3), 304–324.
- ✓ Roberts, M. H. (2005). CEO power, executive compensation and firm performance, New Zealand, 1997–2002. University of Otago, Dunedin: Department of Finance and Quantitative Analysis.
- ✓ Shan, Y., & Walter, T. (2016). Towards a set of design principles for executive compensation contracts. *Abacus*, 52(4), 619–684.
- ✓ Sharma, D. S., Boo, E., & Sharma, V. (2008). The impact of non-mandatory corporate governance on auditors' client acceptance, risk and planning judgments. *Accounting and Business Research*, 38(2), 105–120.
- ✓ Sharma, Divesh S. Ananthanarayanan, Umopathy. Litt, Barri. (2020). CEO Compensation, Corporate Governance, and Audit Fees: Evidence from New Zealand. *International Journal of Auditing*, Volume25, Issue1.
- ✓ Sharma, V. D., & Kuang, C. (2014). Voluntary Audit Committee Characteristics, Incentives, and Aggressive Earnings Management: Evidence from New Zealand. *International Journal of Audiitng*, 18(1), 1099–1123.

- ✓ Sharma, V. D., Sharma, D. S., & Ananthanarayanan, U. (2012). Client Importance and Earnings Management: The Mitigating Role of Audit Committees. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 30(3), 126–152.
- ✓ Simunic, D. (1980). The Pricing of Audit Services: Theory and Evidence. *Journal of Accounting Research*, 18(1), 161 -190.
- ✓ Sun, J., Cahan, S. F., & Emanuel, D. (2009). Compensation committee governance quality, chief executive officer stock option grants, and future firm performance. *Journal of Banking & Finance*, 33(8), 1507–1519.
- ✓ Tsui, J.S.L. & Jaggi, B. & Gul, F. (2001). CEO Domination, Growth Opportunities, and their Impact of Audit Fees. *Journal of Accounting Auditing and Finance*, 16 (3), 189-203.
- ✓ Vafeas, N., & Waagelein, J. F. (2007). The Association between Audit Committees, Compensation Incentives, and Corporate Audit Fees. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 28(3), 241–255
- ✓ Vivandari, Steven F. and Fitriani, Jerry. (2019). The Effect of the Type of Final Ownership on the Audit Cost and the Role of Corporate Governance as a Moderating Variable: *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, Vol. 30, No.1, pp. 78-100.
- ✓ Wallace, L. (1985). "Positive Accounting Theory", Englewood Cliffs, New Jersey, Prentice-Hall International.
- ✓ Wang, Y, (2010), "Product Market Competition and Audit Fees." Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract.1697685> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1697685>.
- ✓ Yermack, D. (1995). Do Corporations Award CEO Stock Options Effectively? *Journal of Financial Economics*, 39(2–3), 237–269.
- ✓ Yermack, D. (2006). Golden Handshakes: Separation Pay for Retired and Dismissed CEOs. *Journal of Accounting and Economics*, 41(3), 237–256.